

عدالت تربیتی: چیستی و چگونگی

فاتن شریف^۱، دیانا نیازی^۲

^۱ دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم انسانی واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول)
^۲ کارشناسی ادبیات فارسی و کارشناس مسئول انجمن اولیا و مربیان، آموزش و پرورش منطقه ۱۴، تهران، ایران

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی چیستی و چگونگی عدالت تربیتی در نظام تعلیم و تربیت بود. مقاله مروری با استفاده از مطالعات گذشته و جستجوی مقالات مختلف با استفاده از پایگاه اطلاعاتی نورمگز، گوگل اسکولار، سیلولیکا و کمبریج ... صورت پذیرفت. روش نمونه‌گیری ۵۰ مقاله گردآوری شد که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۲۰ مقاله انتخاب کرده به بررسی آن پرداخته شد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که مدرسه عادلانه، معلم عادل و نظام عادلانه، بدون تربیت انسان عادل شکل نمی‌گیرند. عدالت تربیتی نخست در ساحت ادراک، نیت و اخلاق انسان رخ می‌دهد، سپس در ساحت رفتار اجتماعی، ارتباطات و ساختارها تجلی می‌یابد. از این منظر، عدالت تربیتی از سطح فردی تا ساختار کلان حرکت می‌کند. این یافته‌ها هدایت مهمی برای نظام‌های آموزشی معاصر دارد؛ نظام‌هایی که گاه می‌کوشند عدالت را فقط با سیاست‌گذاری یا اصلاح منابع ایجاد کنند، بی‌آنکه به تغییر درونی مربیان، مدیران و دانش‌آموزان توجه کنند. پژوهش حاضر یادآوری می‌کند که عدالت تربیتی ابتدا نیازمند «تحول درونی» است، سپس «تحول بیرونی». در این معنا، عدالت تربیتی یک پروژه فرهنگی و انسانی است، نه صرفاً یک پروژه اداری یا اقتصادی.

واژه‌های کلیدی: تربیت، عدالت تربیتی، عدالت، نظام تعلیم و تربیت

مقدمه

در منظومه نظری تعلیم و تربیت اسلامی، مفهوم عدالت ستون فقرات تلقی می‌شود و در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز به صورت چندوجهی بازنمایی شده است؛ از عدالت به منزله ارزش بنیادین در افق جامعه مهدوی و تصویر آرمانشهر اسلامی گرفته تا عدالت در دسترسی و بهره‌مندی عادلانه از فرصت‌های یادگیری. بر پایه این افق، تربیت انسان منتظر و فراهم‌سازی زمینه‌های ظهور، معنا و عمقی مضاعف به فعالیت‌های تربیتی می‌بخشد؛ زیرا عدالت هم مقصد حکمرانی دینی است و هم غایت پرورش انسان مؤمن و پاسخگو، و بدین اعتبار تقویت نگرش عدالت‌گستری جهانی در مترببان ضرورتی انکارناپذیر می‌یابد (همتی، ۱۴۰۳).

نظام تعلیم و تربیت هر جامعه در دو ساحت رسمی و غیررسمی سامان می‌یابد و بخش رسمی آن مدرسه و دانشگاه را در بر می‌گیرد. مقصود از مدرسه، همان دستگاه آموزش و پرورش عمومی و رسمی است که نخستین حلقه آموزش همگانی را شکل می‌دهد و به دلیل اثرگذاری مستقیم بر جهت‌گیری‌های آینده، اهمیت راهبردی دارد (محمدی پویا، ۱۴۰۱).

عدالت تربیتی در دهه‌های اخیر به یکی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های فلسفه تعلیم و تربیت بدل شده است؛ دغدغه‌ای که هم در سطح نظریه‌پردازی و هم در سطح سیاست‌گذاری آموزشی، پیوسته در معرض بازتعریف قرار دارد. از یک سو، ادبیات معاصر عدالت با طیفی از رویکردها روبه‌روست که از برابری‌خواهی کلاسیک تا قابلیت‌محوری، از عدالت رویه‌ای تا عدالت شناسایی‌کننده و از عدالت توزیعی تا عدالت ارتباطی را دربرمی‌گیرد. از سوی دیگر، نظام‌های تعلیم و تربیت عمومی با بحران‌های ملموسی همچون نابرابری فرصت‌های یادگیری، تبعیض‌های پنهان در ارزشیابی، نامتقارنی توزیع منابع، بازتولید فرودستی فرهنگی و حاشیه‌رانی گروه‌های کم‌برخوردار در متن مدرسه دست‌به‌گریبان‌اند (شریف ۱۴۰۴).

و در کل تحقق عدالت تربیتی مستلزم بازنگری در سیاست‌های آموزشی، توزیع عادلانه منابع، توانمندسازی نیروی انسانی، و طراحی برنامه‌های درسی منطبق بر نیازهای واقعی دانش‌آموزان است. در این میان، نقش فناوریهای نوین، آموزش مجازی، و داده‌محوری در برنامه‌ریزی آموزشی می‌تواند به کاهش این شکاف‌ها کمک شایانی نماید (سلطانی، ۱۴۰۱). از این رو، شناخت دقیق ابعاد و دلایل شکاف آموزشی و ارائه راهکارهای کاربردی برای رفع آن، ضرورتی انکارناپذیر در تحقق عدالت تربیتی و توسعه پایدار نظام آموزشی محسوب می‌شود (موسوی یرف، ۱۴۰۴).

مفهوم تربیت

در کتب لغت برای واژه تربیت سه ریشه ذکر شده است؛ که نوعی پروراندن، رشد دادن و افزودن در تمام آن‌ها مشترک است. راغب اصفهانی تربیت را به معنای دگرگون کردن گام‌به‌گام و پیوسته هر چیزی می‌داند تا به کمال مطلوب برسد. «رب؛ الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّربِيَةُ، وَ هُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالاً فَحَالاً إِلَى حَدِّ التَّمَامِ، يُقَالُ رَبَّهُ، وَ رَبَّاهُ وَ رَبَّبَهُ». در لسان‌العرب نیز تربیت از ریشه رب ذکر شده است و بر معلم و مربی رب اطلاق شده است: «الرَّبُّ يُطَلَّقُ فِي اللُّغَةِ عَلَى الْمَالِكِ، وَ السَّيِّدِ، وَ الْمُدَبِّرِ، وَ الْمُرَبِّيِّ، وَ الْقَيِّمِ؛ وَ الْمُتَعَمِّمِ قَالَ: وَ أَلْ يُطَلَّقُ غَيْرَ مُضَافٍ إِلَّا عَلَى اللَّهِ، عَزَّ وَ جَلَّ» (شریفی، ۱۴۰۴). تعلیم و تربیت در اسلام با نزول نخستین آیه‌های وحی بر وجود نازنین پیامبر اکرم (ص) آغاز شد؛ «به نام خداوند رحمتگر مهربان. بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید، بخوان و پروردگارت تو کریم‌ترین (کریمان) است، همان کس که به وسیله قلم آموخت، آنچه را که انسان نمی‌دانست (بتدریج به او) آموخت (سوره علق، آیه‌های ۱ تا ۵). این آیه‌های نخستین، بر دو عنصر بنیادین تعلیم و تربیت، یعنی کسب علم و دانش از یکسو و تعالی روح و کمال انسانی از سوی دیگر پافشاری می‌شود. تربیت که به طور خلاصه عبارت است

از پرورش و رشد دادن استعدادهایی که آفریدگار جهان برای سعادت و کمال انسان در وجود او به امانت گذاشته، از روز نخست در سرشت انسان است تا این انسان از دنیای طبیعت سیر بکند و به آنجایی برسد که گمان و درک ما نمی‌تواند برسد و همه اینها نیازمند تربیت است. همانگونه که تربیت‌های مناسب با طبیعت وجود دارد، تربیت‌های شایسته‌تر با مرتبه‌های دیگرش هم هست که بعضی از آنها را بشر می‌تواند بداند، ولی بیشتر آنها را بشر نمی‌تواند بداند. اطلاع را خدای تبارک و تعالی دارد و برانگیخته شدن انبیاء برای این است که آن مرتبه‌ای از انسانیت را که خود بشر نمی‌داند و کیفیت تربیت برای رسیدن به آن را هم درک نمی‌کند، از آنها آگاه شود؛ تا دانایی به درد و دوا خود نباشد، نمی‌شود معالجه کرد. پیامبران آمدند تا انسان را به آن مرتبه‌ای که کسان دیگر و دانشمندان طبیعت، نمی‌توانند به آن اطلاع پیدا کنند و انسان را تربیت کنند، مرتبه‌ها، آنها را ارتقاء دهند... چون انسان توانایی این را دارد که تربیت بشود و آن مرتبه مافوق طبیعت را هم پیدا بکند و کسی نیست که این شیوه تربیت را از انسان بگیرد، خدای تبارک و تعالی پیامبران را مأمور فرموده است که اینها بیایند و انسان را تربیت کنند تا به آن مرتبه مافوق طبیعت برسد و هر چیزی که در آن توانایی هست، فعلیت پیدا بکند و تربیت، یک تربیت الهی بشود (امام خمینی، ج ۴).

تربیت درست، تربیتی است که به شیوه‌ای با سرچشمه وحی ارتباط داشته و یا از تشعشع‌های پر برکت آن بهره برده و اطاعت از حکم خداوند از انسان موجودی پویا، سازنده و رو به پیشرفت در تمام همه ابعاد می‌سازد. خداوند عالی‌ترین هدف برانگیخته شدن پیامبران را تعلیم یاد کرده است؛ «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند (سوره جمعه، آیه ۲). پیامبر اکرم (ص) نیز هدف از برانگیخته شدن خود را مکارم اخلاق بیان کرده‌اند: «همانا من برای تکمیل والایی‌های اخلاقی برانگیخته شدم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸). شهید مطهری، انسان را موضوع تربیت و یکی از اساسی‌ترین موضوعات مطالعاتی این علم می‌خواند؛ زیرا تربیت را فراهم آوردن زمینه برای پرورش دادن و به فعلیت رساندن تمام استعدادهایی می‌داند که خداوند بالقوه در نهاد انسان به ودیعت نهاده است. (۱۳۷۵) در قرآن کریم (اسراء: ۲۴؛ شعراء: ۱۸) نیز وقتی به زحمات پدر و مادر در دوران کودکی اشاره می‌کند، یکی از مشتقات واژه تربیت را به کار می‌برد. همچنین در تعالیم اسلام تربیت به معنای نمو صالحی است که ملازم خیر و برکت باشد و این فرایند، توسط پیامبر صورت می‌گیرد و به معنای آن است که پیامبر مردم را به نموی صالح رشد دهد؛ به نحوی که اخلاق فاضله و اعمال صالح را عادتشان کند. در نتیجه، در انسانیت خود به کمال برسند و به سعادت در زندگی دنیا و نشئه آخرت بار یابند. در جمع‌بندی می‌توان گفت تربیت عبارت است از: «فرایند شکوفاسازی استعدادها و توانایی‌های جسمی و روحی انسان در جهت رسیدن به کمال مطلوب است (هاشمیان و خسروپناه، ۱۳۹۹).

ارزش تربیت

تربیت یکی از ارزشمندترین واقعیات نظام هستی است که در همه چیز قابل پیاده شدن و ثمره دادن می‌باشد. نه تنها انسان را می‌شود تربیت کرد و در خودسازی و جامعه سازی موفق شد، بلکه حیوانات و نباتات را نیز می‌شود تربیت کرده و با روش‌های تربیتی به سوی ارزش‌ها سوق داد. گرچه موجودات حیاتی همه تربیت پذیرند، اما تربیت پذیری انسان از ویژگی‌های خاصی برخوردار است، انسان با برخوردار از عقل و تدبیر و عواطف انسانی، تربیت پذیرتر از دیگر موجودات نظام آفرینش می‌باشد که امام علی (ع) می‌فرماید: «و لا تَکونَنَّ مِمَّنْ لا تَنفَعُهُ العِظَةُ اِلاَّ اِذَا بَالِغَتْ فِی اِیْلَامِهِ فَانَّ العَاقِلَ یَتَعَطُّ بِالْاَدَابِ، وَ البَهِائِمَ لا تَتَعَطُّ اِلاَّ بِالضَّرْبِ.» از کسانی مباش که پند و اندرز به آنها سودی نمی‌بخشد مگر آنکه سخت در توبیخ آنها مبالغه شود، زیرا

انسان های عاقل با برخورداری از عقل با اندرز و آداب پند بپذیرند، اما چهار پایان با زدن». (شرح ابن میثم ج ۴، ص ۴۴۸) پس تربیت ممکن است، و انسان تربیت پذیر می باشد. و در امور تربیتی باید عجله و شتاب کرد، حال، توجه به ارزش های تربیت و خودسازی ضروری است، که امام علی (ع) فرمود: العلمُ وراثتهُ کریمه و الادابُ حلالُ مجدده و الفکرُ مرآه صافیة. «علم، میراث گران بهائی است و تربیت و آداب ارزشمند اخلاقی، لباس فاخر و زینتی است.» و در کلامی نورانی، جلوه ارزشمند دیگری از تربیت را اینگونه مطرح می فرماید که: لا غنی کالعقل؛ و لا فقر کالجہل و لا میراث کالادب و لا ظہیر کالمشاوَره. «هیچ ثروتی چون عقل نیست و هیچ فقری چون جهل نمی باشد و هیچ میراثی چون ادب و تربیت نخواهد بود.» (علوی زاده شیرازی، ۱۴۰۰).

جایگاه تعلیم و تربیت در اسلام

از نظر اسلام به همان اندازه که آفرینش انسان در بین موجودات دارای اصالت و اهمیت است، تعلیم و تربیت او نیز که سبب اتصال به مقصود و هدف نهایی آفرینش است، دارای اهمیت است. انسان تا در میدان تعلیم و تربیت گام نهد، توانایی هایش از مرحله ی نهان و نهفته به مرحله ی فعلیت و شکوفایی نمی رسد، پس از سیر تکاملی محروم می ماند (هاشمی و ستایش فر، ۱۳۹۶). اهمیت و ارزش تعلیم و تربیت به قدری است که خداوند متعال در قرآن کریم از آن به عنوان دلیل واسطه ای نام می برد که فرزندان می توانند برای والدین خود طلب مغفرت کنند و از روی مهربانی، بال های تواضع خویش را برای آنان فرود آور و بگو پروردگارا بر آنان رحمت فرست، همانگونه که مرا در کودکی تربیت کردند (محمدی پویا، ۱۴۰۰). مفسران معنای تربیت در این آیه را به رشد و نمو بدنی مرتبط دانسته اند و اتفاقاً این نکته گویای این حقیقت است که وقتی رشد و نمو بدنی تا این حد مهم است که می تواند وسیله ای برای طلب مغفرت والدین قرار گیرد، پس اهمیت تربیت در ابعاد اجتماعی، اخلاقی، علمی، عبادی و ... چقدر می تواند فزون تر باشد (محمدی پویا، ۱۴۰۱).

اهداف تربیت در رویکرد اسلامی

دین به عنوان کلید اساسی فهم تاریخ و تحولات اجتماعی و به عنوان اصل وحدت بخش که هماهنگی و همفکری بین اقشار و گروه های مختلف جامعه را سبب می شود نقش بسیار مهمی در فرایند تربیت و جامعه پذیری انسان ها ایفا می کند (شمشیری، شیروانی شیرینی و زارعی، ۱۴۰۰). اهداف تربیت اسلامی را می توان در چند حوزه اصلی خلاصه نمود (مجیدپور خوئی، محبی و ایمانی نائینی، ۱۳۹۸):

اهداف اعتقادی: هدف اصلی، پرورش ایمان راستین و تقویت رابطه انسان با خداست. این اهداف شامل خداشناسی، حقیقت جویی، عبادت و پرستش خدای یگانه، تقوا و سپاس گذاری است. نوجوان باید از راه عقل و منطق به ایمان برسد، عبادت را وظیفه الهی بداند و در مسیر بندگی و تقرب الهی گام بردارد تا در برابر وسوسه ها و گناه ها مقاوم باشد.

اهداف اخلاقی: این بخش بر خودشناسی، خودباوری و خودسازی تأکید دارد.

اهداف علمی - آموزشی: در تربیت اسلامی، علم آموزی و تفکر از مهم ترین وظایف انسان محسوب می شود.

اهداف اجتماعی: این اهداف بر رشد روحیه تعاون، مشارکت، نظم، قانون مداری و مسئولیت پذیری اجتماعی استوارند.

اهداف اقتصادی: تربیت اقتصادی در اسلام شامل پرورش روحیه کار، تلاش، قناعت، انفاق و مشارکت در معیشت گروهی است.

اهداف فرهنگی: هدف این بخش، تقویت خودباوری فرهنگی، حفظ میراث معنوی و پرهیز از خرافات و رسوم غلط است.

مفهوم عدالت

عدالت ملکه‌ای است نفسانی/ رفتاری که پندار، گفتار و کردار انسان‌های عادل را بر مبنای حق شکل می‌دهد (مزینانی، عزیزاده و آزاد، ۱۳۹۹). نظریه‌پردازان حوزه عدالت بر این باورند که بحث عدالت در سرشت خود بحثی تجربیدی، تحلیلی و نظری است و همیشه با تنوع دیدگاه‌ها و اختلاف نظرها همراه بوده است. این تنوع خصوصاً از آن بعد دیده می‌شود که عدالت در تمامی جنبه‌های فردی، خانوادگی، ابعاد کلان اجتماعی و نهادها و سازمان‌های درگیر، در حقوق و قضا، در فلسفه و سیاست و غیره حضور و بروز جدی دارد (کریمی و احمدکرم‌ماج، ۱۴۰۰).

مقوله عدالت از مقولاتی است که همواره توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود داشته است. عدالت تربیتی و در ذیل آن عدالت آموزشی‌ای که سنگ بنای رشدیابی و توسعه‌ی هر جامعه‌ای است از آن دسته‌اند (شاهسواری، ۱۴۰۱). البته در حالی که سال‌هاست این دغدغه به یکی از محورهای مبارزات مصلحان تربیتی و اجتماعی بدل شده است، ولی تحقق آن در سطح عمل هنوز آنچنان که باید رضایت‌بخش نبوده است و وجود سازوکارهای مخرب عدالت تربیتی در برخی نظام‌های آموزشی، اعتراض متفکران را برانگیخته است. گزارش‌های یونسکو در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که برای تحقق عدالت تربیتی و همچنین تحقق برابری جنسیتی در آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهانی هنوز راهی دشوار در پی است (شمس مفرحه و همکاران، ۱۳۹۷).

مفهوم عدالت در قلمرو اندیشه اسلامی

واژه «عدالت» برای درک معنا و مفهوم خود نیازی به تعریف ندارد، زیرا نموده‌های آن به صورت فطری و غریزی قابل درک‌اند و تعاریف موجود در جوامع مختلف نیز شباهت زیادی با یکدیگر دارند. با این حال، اندیشمندان و صاحب‌نظران متعددی تعاریف گوناگونی از عدالت ارائه کرده‌اند، که همگی بر مفاهیمی آشنا و مشترک در فرهنگ‌های مختلف استوارند؛ و این اشتراک، ریشه در نزدیکی مصادیق عدالت در تمدن‌های گوناگون دارد (ابراهیم صالح الهواری^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). فلاسفه اسلامی بیشترین تأثیر را از قرآن و سنت رسول خدا (ص) و پیشوایان شیعه پذیرفته و این تأثیرپذیری از نوع اساسی است، به گونه‌ای که نحوه نگرش حکیمان مسلمان را تعیین می‌کند. بر همین اساس می‌توان گفت نگاه آنان به عدالت نیز نگاهی است که از اساس قرآنی و عجین شده با تأثیرات شرقی و غربی (جودی، جوانپور هروی و کوهی گیگلو، ۱۴۰۲). از منظر قرشی (۱۳۵۳) عدل به معنای برابری، مثل، فدیة، ضد جور است. طباطبائی (۱۳۶۰) معتقد است؛ عدل در لغت به معنای عدالت میانه‌روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری است، عدالت اقامه مساوات میان امور است به اینکه به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شود و هر یک در جای واقعی خود که مستحق آن است قرار گیرد (براتعلی و همکاران، ۱۳۹۹). کلمه عدل و

^۱ Ibraheem Shelash

مشتقات آن، در ضمن ۲۴ آیه و ۱۱ سوره قرآن کریم و در مجموع، ۲۸ بار و با الفاظ: «فعدلک»، «لاعدل»، «تعدل»، «تعدلوا»، «یعدلون»، «اعدلوا»، «عدل»، «عدل» و «عدال» آمده است (برائعلی و همکاران، ۱۳۹۹).

عدالت و برابری در قرآن کریم

یکی از مهمترین اهداف اسلام برقراری عدالت است. از طرف دیگر تأکید اسلام بر ضرورت علم آموزی آموزش تحصیل و مباحث مربوط به آن بیانگر توجه این شریعت الهی به تحصیل و فراهم آوردن امکانات مساوی برای فرزندان همه اقشار جامعه به آموزش برابر و با کیفیت می باشد. بنابراین ضروری است دولتهای اسلامی تدابیری برگزینند که باعث تقویت آموزش و پرورش و کاهش نابرابری های آموزشی شود. عدالت که یکی از مفاهیم با ارزش قرآن کریم است از آغاز خلقت تا ابد، جایگاه ارزشی خود را نزد بشر حفظ کرده است. تعداد ۲۹ آیه از آیات قرآن مستقیماً درباره عدالت نازل شده است و حدود ۲۹۰ آیه دیگر هم در مورد ظلم که ضد عدالت می باشد نازل شده است. در مجموع می توان ادعا کرد که حدود یک دهم از آیات قرآن یا به طور مستقیم و یا به طور غیر مستقیم به این بحث اشاره دارند و این امر نشان دهنده اهمیت آن در دین اسلام می باشد (فقیهی نجفی و در یساوی، ۱۳۹۶؛ جعفریانی، ۱۳۹۸).

عدالت در نظام تعلیم و تربیت

یکی از مهم ترین مسائل در فلسفه تربیت رسمی آموزش و پرورش، عدالت است. امروز استفاده برابر مردم از امکانات تربیتی، می تواند مصداقی از اجرای عدالت باشد، بویژه اینکه در دنیای امروز نپرداختن به این عرصه ظلم به مردم محسوب می شود (رضداد، مجیدی و کیانی، ۱۴۰۳). آموزش یکی از حقوق اساسی شهروندی محسوب می شود. در جامعه ی دموکراتیک، دولت موظف است دسترسی به آموزش پایه و عام را برای حفظ شأن افراد جامعه که دارای شایستگی های یکسان هستند، فراهم کند تا بتواند پاسخگوی نیازهای متفاوت آموزشی افراد جامعه باشد. آموزش حق اصلی عموم شهروندان است؛ حقی که همه ی افراد دارای شایستگی های معین، باید به آن دست یابند (یزدانی، افشار و دشتی رحمت آبادی، ۱۴۰۳). تحقق عدالت از شعارها و اهداف اجتماعی حاکم در جوامع بشری و یکی از عوامل مؤثر در تحقق اهداف آموزش و پرورش است. برنامه های جهانی برای آینده پایدار به شدت بر نقش آموزش در ترویج عدالت و تغییر نگرش ها و رفتارهای فراگیران متکی است (بارلین و میلیگان^۲، ۲۰۲۴).

براساس مبانی نظری تحول بنیادین، هدف اصلی زندگی دنیوی براساس معارف اسلامی و مکتب اهل بیت (ع)، دستیابی به حیات طیبه است؛ یعنی دستیابی به یک زندگی معنوی و اخلاقی که از نظر اسلامی، معیارهای عدالت، انصاف، توازن، و اعتدال را دربرداشته باشد. مهمترین رسالت آموزش و پرورش در این راستا، فراهم کردن زمینه و ایجاد آمادگی برای دستیابی به این مرتبه از حیات طیبه توسط دانش آموزان و متریبیان است. از دیدگاه مقام معظم رهبری، عدل یکی از نیازهای اساسی برای دستیابی به حیات طیبه انسانی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۴/۵؛ شریف و سلیمی، ۱۴۰۴).

^۲ Balarin, M., & Milligan,

مفهوم عدالت تربیتی

عدالت تربیتی به معنای تربیت همه‌ی انسان‌ها و موجودات ذی‌شعور با هدف شکوفایی استعدادهای ذاتی آنان است (محمدزاده بنی طرفی، ۱۴۰۲). تعاریف مختلفی از عدالت تربیتی باتوجه به نگرش‌های گوناگون ارائه شده است. تعریف ابزارگرایان از عدالت تربیتی بر برابری سطح رفاه افراد تأکید دارد که از این نگاه ممکن است افراد از لحاظ تربیتی از امکانات یکسان برخوردار نباشد ولی از لحاظ سطح رفاه برابر باشند و این بیانگر عدالت تربیتی از دیدگاه آنان است (جودی، جوانپور هروی و کوهی گیگلو، ۱۴۰۲). مفهوم عدالت تربیتی از نظر شهید مطهری؛ فرصت‌های آموزشی، معیار استحقاق باتوجه به تلاش و استعدادهای متریبان، جبران کمبودهای متریبان نیازمند توجه خاص، تلازم استعداد و وظایف متریبان است (شمس مفرحه و همکاران، ۱۳۹۷).

علم‌الهدی (۱۳۹۱) معتقد است که عدالت تربیتی می‌تواند از سه منظر مورد توجه قرار گیرد: نخست از جهت توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های آموزشی به منظور توسعه ظرفیت‌های ادراکی و آزادی عقلانی افراد جامعه؛ دوم از جهت پرورش افرادی عدالت‌محور که به عنوان کارگزاران نهادهای اجتماعی، به رواج رفتار عادلانه و نیز سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی وضع قوانین عادلانه کمک می‌کنند و سوم از جهت تولید دانش‌های لازم برای برپایی سازوکارهای عادلانه توسعه و ایجاد ساختارهای عدالت‌محور (صحبت‌لو و غفاری، ۱۴۰۰).

نگرش‌های عدالت تربیتی

اگر بحث عدالت تربیتی را محدود به محیط‌های آموزشی کنیم، می‌توان گفت سه دسته عوامل در آن دخیل‌اند: ۱- موقعیت، منابع و امکاناتی که از طرف مسئولان نظام آموزشی تدارک دیده می‌شود همانند معلم، منابع اولیه، برنامه درسی، محیط آموزشی، ۲- ویژگی‌هایی که از طرف دانش‌آموزان وارد محیط آموزشی می‌شود مانند زمینه اقتصادی، فرهنگی و موقعیت اجتماعی دانش‌آموزان، ۳- ویژگی‌های نامحسوس که در نتیجه برخورد متقابل همه این عوامل به وجود می‌آید همانند نوع برخورد معلمان با کودکان، نوع برخورد دانش‌آموزان با یکدیگر. اگر بحث عدالت تربیتی را در محدوده کلاس درس در نظر بگیریم، از پنج نگرش می‌توانیم آن را مورد بررسی قرار دهیم که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد (کریمی و احمدکرم‌ماج، ۱۴۰۰).

عدالت تربیتی دموکراتیک: در این دیدگاه معلم باید زمان و توجه برابری برای همه دانش‌آموزان مصروف کند، صرف نظر از اینکه کدامیک از آنها به توجه بیشتری نیاز دارند، تا چه اندازه نسبت به سایر همکلاسی‌های خود از قوت و یا ضعف برخوردارند. آموزش دموکراتیک بر اصولی مانند برابری، مشارکت و آزادی بیان تأکید دارد و سیستمی را پرورش می‌دهد که در آن همه دانش‌آموزان، صرف نظر از پیشینه‌شان، می‌توانند در فرآیند یادگیری مشارکت کنند (کاراکاتسانی و پیلیگو، ۲۰۲۶).^۲

عدالت تربیتی اخلاق‌گرایانه: معلم در این دیدگاه به دانش‌آموزان تلاشگر توجه بیشتری مبذول می‌کند و به دانش‌آموزان کم‌فعالیت توجه و تشویق کمتری ارائه می‌کند. در این دیدگاه معلم، کلاس درس را به عنوان جامعه‌ای اخلاقی در نظر می‌گیرد و طبق یک قرارداد نانوشته این شعار را که عملکرد من به عنوان معلم وابسته به عملکرد شما دانش‌آموزان است و هر کسی به

^۲. Despina Karakatsani & Vassiliki Pliogou

این قرارداد پایبند بوده و به آن احترام بگذارد، سود بیشتری نصیبش می‌گردد. در این دیدگاه به مفهوم تلاش در کلاس درس بیشتر از مفهوم پیشرفت توجه می‌شود.

عدالت تربیتی انسانی حداقلی: از آنجا که بعضی از دانش آموزان از امتیازات کمتری نسبت به استعدادها و قابلیت‌هایشان در گذشته برخوردار بوده‌اند. عدالت انسانی حکم می‌کند معلم در کلاس درس توجه بیشتری به آنها مبذول نماید اما گنجاندن مفهوم حداقلی به آن معناست که توجه بیشتر از طرف معلم فقط به دانش‌آموزانی تعلق می‌گیرد که در خانواده و یا پایه‌های پایین‌تر مدرسه مورد کم لطفی قرار گرفته‌اند نه دانش‌آموزانی که به لحاظ ژنتیکی پایین‌تر از سطح معمول می‌باشند.

عدالت انسانی تربیتی حداکثری: در این دیدگاه عدالتی از معلم انتظار می‌رود که معلم تمام کمبودهایی که در گذشته با خود حمل می‌کند را سعی نماید جبران کند که شامل نقایص ژنتیکی نیز می‌شود.

سودگرایی: فایده‌باوران اعتقاد دارند که در کلاس درس و کل فرایند برخورداری از امکانات آموزشی، حالت رقابتی وجود دارد، به شرطی که عرصه این رقابت به روی همگان به یک اندازه باز باشد. در این صورت توجه معلم نیز نوعی پاداش محسوب می‌شود و تنها به دانش‌آموزانی تعلق می‌گیرد که فعالیت بهتری دارند. در این صورت برقراری عدالت تربیتی و ارائه امکانات آموزشی هم می‌تواند به صورت استحقاقی و شایسته‌سالاری توزیع گردد و هم توزیع جبرانی و ترمیمی می‌تواند ملاک عمل باشد و هم توزیع برابر امکانات آموزشی. مفهوم استحقاق گونه عدالت تربیتی می‌تواند به نفع افرادی باشد که تلاش بیشتری نسبت به سایرین دارند در حالیکه عدالت تربیتی ترمیمی به نفع دانش‌آموزانی خواهد بود که از معلولیت و یا پیشرفت تحصیلی پایین‌تری برخوردارند (یارقلی، ۱۳۹۲).

مؤلفه‌های عدالت تربیتی در اندیشه‌ی اسلامی

مؤلفه‌های معرفت شناختی

هدف اصلی این معرفت شناخت افعال و صفات و مظاهر تدبیر خداوند در آفرینش و شکر اوست. خداوند در قرآن کریم فرمود: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق ۱) «بخوان به نام پروردگارت که آفرید.» بکار بردن واژه "رب" در اینجا دلالت تربیتی قاطعی دارد؛ زیرا هدف خداوند، تربیت و تعالی نوع بشر است. خداوند منبع شناخت و دانش است: «قُلْ إِنَّمَا أَلِمْ عِنْدَ اللَّهِ...» (ملک/۲۶) «بگو علم (آن) فقط پیش خداست...» (ابراهیمی و مرادی، ۱۳۹۷). نخستین مؤلفه از مؤلفه‌های بنیادین عدالت تربیتی از دیدگاه قرآن کریم، مؤلفه‌های معرفت‌شناختی است که برجسته‌ترین آنها عبارت‌اند از (محمدزاده بنی‌طرفی، ۱۴۰۲):

۱- **وحی و عدالت تربیتی:** انسان موجودی با ابعاد متعدد است که اندیشمندان بسیاری در طول تاریخ تلاش کردند تا او را بشناسند؛ اما هرگز نتوانستند به قطره‌ای از این دریا دست یابند. تنها موجودی که همه‌ی ابعاد وجودی انسان را می‌شناسد، خالق انسان است.

۲- **عقلانیت و عدالت تربیتی:** انسان قوه‌ی عقل دارد و با آن حقایق کلی عامل را می‌تواند درک کند و براساس این ادراک عقلی، زندگی عقلایی را شکل می‌دهد. خدای متعال نیز انسان را به تعلق و تفکر دعوت می‌نماید (حشر، آیه ۲؛ نور، ۴۴) تا از رهگذر این تعقل به سعادت حقیقی دست یابد و تربیت شود.

۳- تجربه‌ی بشری و عدالت تربیتی: بهره‌مندی از تجربیات بشری یکی دیگر از مؤلفه‌های معرفتی در فرایند عدالت تربیتی از دیدگاه قرآن کریم است؛ بنابراین، خدای متعال در قرآن کریم، بارها سرگذشت پیشینیان را برای انسان‌ها مثال می‌زند. این نوع از حقایق را در جای‌جای قرآن کریم همانند سوره‌های بقره، یوسف، اعراف، حج، محمد و غیره می‌توان یافت (محمدزاده بنی‌طرفی، ۱۴۰۲).

مؤلفه‌های هستی‌شناختی

موضوع هستی‌شناسی در نگرش دینی این است که جهان مرکب از ماده و روح و نشأت گرفته از خداوند می‌باشد (ابراهیمی و مرادی، ۱۳۹۷). برجسته‌ترین مؤلفه‌های هستی‌شناختی در فرایند عدالت تربیتی عبارت‌اند از (محمدزاده بنی‌طرفی، ۱۴۰۲):

خلقت عامل بر اساس عدالت از دیدگاه قرآن کریم: خدای متعال در قرآن می‌فرماید؛ «او همان کسی است که هرچه را آفرید، نیکو آفرید». براساس این، آفرینش نظام هستی به نحو احسن به‌طور عموم است و سرآغازی برای بیان خلقت انسان و مراحل تکامل او به‌طور خصوص است؛ به عبارتی، در خلقت عامل هستی، عدالت تکوینی در اوج خود یعنی «نظام احسن» تحقق دارد.

حقانیت الهی و عدالت تربیتی: بر اساس آموزه‌های الهی قرآن کریم، خدای متعال حق است (بقره، آیه ۹۵) و آموزه‌های او نیز برای سعادت انسان‌ها و حق است (فصلت، ۵۳)؛ در نتیجه، اعمال او نیز برخاسته از حقانیت خواهد بود (محمدزاده بنی‌طرفی، ۱۴۰۲).

عدل الهی و عدالت تربیتی: هنگامیکه عدالت تکوینی حق تعالی در نظام عامل هستی به‌صورت نظام احسن تحقق یافت، در عامل هستی مصالح و مفاسدی پدید خواهد آمد. مصالح برخاسته از این نظام احسن و مقوم آن است و مفاسد در نقطه‌ی مقابل قرار می‌گیرد (حسینی‌زاده، ۱۴۰۰).

مؤلفه‌های انسان‌شناختی عدالت تربیتی

شناخت انسان مهم‌ترین امر در تربیت است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيكُمْ أَنْفُسُكُمْ...» (مائده/۱۰۵) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان بپردازید...» علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: از عبارت "علیکم انفسکم" که مؤمنان را به پرداختن به نفس خود فرمان داده است، به خوبی دریافت می‌شود که نفس مؤمن همان راهی است که به سلوک آن و ملتزم بودن بدان فرمان داده شده است؛ زیرا وقتی گفته می‌شود زنده‌ار راه را گم مکن، معنایش التزام به خود راه است نه جدا نشدن از رهروان (ابراهیمی و مرادی، ۱۳۹۷).

فطرت انسان و عدالت خواهی: خدای متعال مسیر حق و باطل را به انسان الهام می‌کند او مسیر موزون سعادت را به انسان الهام کرده است و انسان عاقل نیز در سطح فطرت خود، مصالح را می‌شناسد و با عمل اختیاری تقوا به‌سوی آن می‌رود و از مفاسد و فجوری که بر فطرت او الهام شده است، پرهیز می‌کند. حرکت در مسیر مصالح الهام شده و پرهیز از مفاسد سبب می‌شود که انسان در سطح فطرت خود، خواهان عدالت باشد و عدالت‌خواه گردد. همین الهام مصالح و مفاسد در ذیل رفتار اختیاری یک عمل تربیتی از سوی خدای متعال برای انسان خواهان سعادت حقیقی است (محمدزاده بنی‌طرفی، ۱۴۰۲).

انسان موجودی در حال تربیت: انسان موجودی در حال شدن از وضع کنونی به وضع دیگر است. گاهی با افعال اختیاری خود از مفاسد پرهیز می‌کند و به سوی مصالح شدن و گاهی نیز تحت تأثیر عواملی همانند هوای نفس یا سوء تربیت نفس، به سوی مفاسد می‌شود؛ بنابراین، انسان در هر لحظه از زندگی خود، با عمل اختیاری خود، یکی از شدن‌ها را برمی‌گزیند و به سوی آن می‌شود (همان).

حق برش و تعلق آن به عدالت تربیتی: هیچ نوع ظلمی در خدای متعال راه ندارد و او هر آنچه را که موجودات در سطح استعداد خود خواهان هستند، به آنان عطا می‌کند. انسان ظرفیت‌های گوناگون دارد و بر اساس آن ظرفیت‌ها، دارای حق و تکلیف است. میان این حق و تکلیف نیز تناسب است. تربیت‌پذیری یکی از ظرفیت‌های انسان است؛ بنابراین، عدالت حق تعالی در سطح تربیتی اقتضا دارد که بسترهای تربیتی اعم از تکوینی و تشریحی را برای این حق فطری و طبیعی انسان فراهم سازد (همان).

عدالت تربیتی از نگاه امام شهید خامنه‌ای

در نگاه امام خامنه‌ای، عدالت آموزشی و تربیتی از بنیادی‌ترین ارکان پیشرفت و قوام جامعه اسلامی است و به منزله‌ی تحقق قسط در عرصه‌ی تعلیم و تربیت معنا می‌یابد. ایشان عدالت را فضیلتی الهی و مأموریت همه‌ی انبیا دانسته و معتقدند که در نظام آموزشی، عدالت هنگامی محقق می‌شود که همه‌ی آحاد جامعه، فارغ از طبقه، جنسیت و موقعیت جغرافیایی، از فرصت‌های برابر آموزشی برخوردار باشند. از دیدگاه ایشان، عدالت تربیتی بر چند محور اساسی استوار است (رضاداد، مجیدی و کیانی، ۱۴۰۳):

دسترسی‌پذیری فرصت‌های آموزشی برای همه: آموزش و پرورش باید به گونه‌ای سامان یابد که هیچ فردی از امکان تحصیل، سوادآموزی و رشد علمی محروم نماند. ایشان باسواد و گسترش آموزش در مناطق محروم را از مصادیق روشن عدالت می‌دانند و تأکید دارند که آموزش مجازی و امکانات نوین نیز باید به‌طور برابر در اختیار همگان باشد.

افزایش امکانات و کیفیت آموزشی در کشور: عدالت آموزشی مستلزم تقویت مدارس دولتی، گسترش مراکز آموزش عالی در مناطق کمتر برخوردار، و توزیع عادلانه منابع و امکانات آموزشی است. از دید ایشان، مدرسه دولتی باید محل آموزش باکیفیت برای همه باشد تا نابرابری اقتصادی منجر به نابرابری علمی نگردد.

رفع تبعیض جنسیتی: امام خامنه‌ای تأکید دارند که تحصیل علم برای دختران و پسران یکسان است و هیچ‌گونه تبعیض یا محدودیت نباید وجود داشته باشد. در عین حال، ایشان بر حفظ تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و تناسب آموزش و اشتغال با ویژگی‌های الهی هر دو جنس تأکید دارند. از نظر ایشان، علم‌آموزی دختران و زنان نه تنها مجاز بلکه یک ضرورت اجتماعی و عامل رشد جامعه اسلامی است.

توجه به استعدادها و علایق فردی: ایشان عدالت را در گرو پرورش استعدادهای متنوع انسان‌ها می‌دانند. شناسایی و شکوفایی استعدادهای بومی، توجه به تفاوت‌های فردی، و هدایت آموزشی و شغلی متناسب با علاقه و توانایی از الزامات عدالت تربیتی است. در مجموع، عدالت آموزشی از دیدگاه امام خامنه‌ای به معنای توزیع عادلانه فرصت‌ها، امکانات و توجهات تربیتی است تا هر فرد بر پایه استعداد خدادادی خود بتواند مسیر کمال و خدمت را پیماید. نظام تعلیم و تربیت عادل، از نظر ایشان،

باید بر پایه‌ی عقلانیت، فطرت، ایمان، و مسئولیت اجتماعی بنا شود تا جامعه‌ای برابر، پویا و فضیلت‌محور شکل گیرد (همان). طرح‌هایی مانند «شهاب» و «شهید وزوایی» در راستای همین سیاست مورد تأیید ایشان است (همان).

عدالت تربیتی از نگاه شهید مطهری

در نگاه شهید مرتضی مطهری، عدالت تربیتی ریشه در عدالت الهی و فطرت انسان دارد و غایت آن رساندن انسان به کمال، رشد عقلانی و تحقق استعدادهای نهفته است. از دید او، عدالت در تعلیم و تربیت یعنی رعایت تناسب، استحقاق و تعادل در برخورد با متریبان، به‌گونه‌ای که هر فرد به اندازه استعداد، تلاش و ظرفیت خود از امکانات تربیتی بهره‌مند گردد. وی عدالت را نه برابری مطلق، بلکه دادن حق به صاحب حق می‌داند؛ زیرا انسان‌ها از نظر فطرت و استعداد متفاوت‌اند و تربیت عادلانه باید بر اساس این تفاوت‌ها سامان یابد. مبانی عدالت تربیتی در اندیشه مطهری شامل چند اصل است: توحید و فطرت الهی انسان که همه را دارای کرامت ذاتی می‌داند؛ عقلانیت و اختیار به‌عنوان معیار رشد تربیتی؛ تفاوت‌های طبیعی انسان‌ها که اقتضای عدالت در برخورد متفاوت با متریبان را ایجاب می‌کند؛ و سعادت و کمال انسانی که هدف نهایی تربیت است. در حوزه اهداف، عدالت تربیتی باید زمینه شکوفایی استعدادها، رشد فکری و اخلاقی، و تعادل روحی را فراهم سازد. تربیت عادلانه از نظر مطهری به دنبال آن است که انسان متعادل پرورش یابد؛ انسانی که عقل و عاطفه، جسم و روح، فردیت و اجتماع در او هماهنگ باشند. او عدالت را شرط تحقق انسانیت می‌داند و معتقد است جامعه‌ای عادل تربیت می‌کند که در آن تربیت بر اساس ارزش، نه تبعیض و امتیاز طبقاتی، استوار باشد (شمس مفرحه و همکاران، ۱۳۹۷).

مبانی و اصول عدالت تربیتی بر اساس دیدگاه امام علی (ع)

به عدل و عدالت به‌عنوان قانونی عام و فراگیر، و سنتی تغییرناپذیر در جهان خلقت می‌نگرد، و آن را در اجتماعات بشری و در نظام تشریح، ضرورتی تخلف‌ناپذیر می‌شناسد و بر ضرورت هماهنگی دو نظام تکوین و تشریح، تأکیدهایی اصولی دارد؛ بدان پایه که مذهب و مکتب او، مکتب عدل و عدالت شناخته شده است. این مذهب، مذهب عدل است و از همین جاست که از قدیم گفته‌اند: «التوحید و العدل علویان: توحید و عدل دو اصل علویت هستند». ذکر «عدل» در کنار «توحید»، نخست به مفهوم اعتقادی آن بازمی‌گردد، یعنی اثبات عدل به‌عنوان یکی از صفات خداوند که متمم عقیده توحید است؛ و همین عدل، مقتضی آن است که عدل اقتصادی و معیشتی و قضایی و... نیز جزء ارکان بنیادین دین اسلام باشد، زیرا نمی‌شود خدای عادل، راضی به ظلم باشد، و عدل عملی را از بندگان نخواستہ باشد (شاهسواری، ۱۴۰۱).

نگاه اقتصادی به عدالت تربیتی

یکی از نکات مورد توجه نظریه پردازان تعلیم و تربیت به مساله عدالت تربیتی نگاه اقتصادی آنها به این مقوله است (واسمن ۱۵۰، ۲۰۰۳)، مباحثی مانند برابری عمودی و افقی ناشی از نگاه اقتصادی و تخصیص منابع صرف ریشه می‌گیرد. زمینه اقتصادی خانوادگی دانش آموزان و سطح درآمد آنان علاوه بر تعیین منزلت اجتماعی، بر میزان دسترسی دانش آموزان بر تعلیم و تربیت در سطوح مختلف تاثیر می‌گذارد در حالی که در بدو ورود به نظام آموزش رسمی به سبب محرومیتها و تفاوت‌های ذکر شده پایه نابرابری در میان دانش آموزان با سطوح مختلف نهاده می‌شود. از سوی دیگر دولتها در تخصیص منابع مالی به امر

تعلیم و تربیت میان طبقه های مختلف اجتماعی با چالش مواجه بوده اند. برابری مطلق در امر توزیع همیشه موفق نبوده و با مشکلاتی در عمل مواجه بوده است از سوی دیگر نبود معیارهای عینی و دقیق برای شناسایی تفاوت ها از جمله مشکلات تخصیص منابع به حساب می آید. به طوری که مبحث عدالت تربیتی در بیشتر کشورها به مساله ای سیاسی تبدیل شده است زیرا وجود اقوام مختلف در این کشورها زمینه را برای سوق دادن مساله عدالت تربیتی به مساله ای سیاسی هموار کرده است (یارقلی، ۱۳۹۲).

به این دلیل ورود اقتصاددانان به بحث عدالت تربیتی و نگاه اقتصادی نظریه پردازان تعلیم و تربیت به بحث عدالت تربیتی در دهه هشتاد و نود امری بدیهی بوده و ریشه هایی از آن نیز قابل مشاهده می باشد.

برابری تربیتی یا توجه به نیاز و شایستگی تربیتی

در بحث عدالت تربیتی و نحو توزیع امکانات آموزشی جهت گیری های نظریه پردازان به دو شق اساسی تقسیم می شود:

الف: بعضی بر برابری تربیتی تاکید می کنند.

ب: گروه دوم بر نیاز و شایستگی تربیتی اصرار دارند و بر برابری ارجح می دانند (برای هوس، ۲۰۰۷، ۲۰۰۹؛ ریچ ۱۵۴، ۲۰۰۶) فیلسوفان در این نکته مرددند که مرز روشنی میان برابری تربیتی و نیاز و شایستگی تربیتی ترسیم کنند (آلبرگ ۱۵۵، ۲۰۱۰) (همان) مفهوم برابری برای بسیاری از نظریه پردازان حوزه عدالت تربیتی مفهومی کلیدی به حساب می آید که بر اساس آن نظریه های خود را شکل داده اند هات می چر و همکاران (۲۰۰۱) در کتاب خود با عنوان "در جستجوی انصاف در تعلیم و تربیت" به بررسی سه برداشت از برابری در تعلیم و تربیت پرداخته اند:

- ۱- **فرصت برابر:** یکی از برداشتهای کلاسیک و در عین حال متنفاذ از مفهوم برابری برای دانش آموزان، متعلق به برابری فرصت ها برای انواع متفاوتی از گروه های اجتماعی (طبقه نژاد جنسیت و غیره) می باشد.
- ۲- **حقوق برابر شهروندی:** این نظریه که ریشه جامعه شناسانه دارد بر این باور است که بعد از حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اجتماعی مطرح می شود که در راس آن تعلیم و تربیت جای دارد.
- ۳- **احترام منصفانه نسبت به تفاوت ها:** یکی از مفاهیمی که اخیرا در بحث عدالت تربیتی در جامعه شناسی آموزش و پرورش استنباط شده است حاصل تفکر پست مدرنیستی است. با این تصور که تعریف ذکر شده قبلی حاصل تفکر مدرنیستی می باشد. از منظر این دیدگاه گروه های اجتماعی و فردی حق برابری از آموزشی که نیاز دارند را باید دریافت کنند. ویژگی نسبی بودن چنین برداشتی و زمینه جداسازی مجدد گروه های مختلف کاربرد آن را قابل مناقشه ساخته است. گرچه تفسیرهای معتدل تری از این برداشت وجود دارد که نسبتا قابل قبول تر است. در هر حال از منظر این دیدگاه برابری و تفاوت مفاهیمی هستند که می توان در عرصه عمل آنها را در کنار هم تجربه کرد (یارقلی ۱۳۹۲).

عدالت تربیتی از دیدگاه سند تحول بنیادین

در پژوهش رضا داد و دیگران (۱۴۰۴) و مطابق با سند تحول آموزش و پرورش، تحقق کامل عدالت تربیتی منوط به تحقق همه مراتب ذیل است:

در مرتبه نخست عدالت تربیتی ناظر به تأمین اصل (وجود) تربیت است. در این مرتبه باید سازوکارها و امکانات لازم به صورت الزامی برای برخورداری همه افراد جامعه در سنین خاص از حق تربیت وجود داشته باشد تا بهره مندی از حد نصاب قابل قبولی از این حق به طور رایگان برای فرزندان همه آحاد جامعه تضمین شود بدین طریق این جریان در جامعه مانع ایجاد انسداد طبقاتی گردد.

در مرتبه بعد عدالت تربیتی ناظر به قابلیت دسترسی برابر برای همگان قرار دارد؛ یعنی باید امکانات و فرصت های تربیتی در حد نصاب ضروری و مطلوب برای همگان قابل دسترسی برابر باشد و تبعیض های قومی، نژادی جنسی جنسیتی و طبقاتی در زمینه حق بر تربیت بر طرف شود.

در مرتبه بالاتر عدالت تربیتی ناظر به فراهم آوردن کیفیت مطلوب و قابل قبول در ارائه خدمات تربیتی از جمله (بهداشت و سلامتی محیط یادگیری وسایل و امکانات آموزشی مناسب و معلمان با صلاحیت) است.

مرتبه دیگر عدالت تربیتی نیز انطباق جریان تربیت با خصوصیات فردی و مشترک متریبان است. در این مرتبه باید تربیت با نیازهای ویژه آحاد اجتماع همخوانی داشته باشد و گروه های مختلف جامعه را تحت پوشش قرار دهد.

نتیجه گیری

عدالت تربیتی تنها در فضایی محقق می شود که روابط انسانی بر پایه محبت، رأفت، همدلی و گذشت استوار باشد. این یافته ریشه ای عمیق در متون اسلامی دارد. اسماعیل زاده و همکاران (۱۴۰۳) در بررسی راهبردهای تربیتی امام علی بیان می کنند که حکومت و مربی عادل باید همراه با هدایت گری، از رحمت، محبت و رفتار نرم برخوردار باشد. شاهسواری (۱۴۰۱) نیز تأکید می کند که عدالت تربیتی از منظر امام علی زمانی محقق می شود که دانش آموز احساس ارزشمندی، تعلق و حمایت اجتماعی داشته باشد و این امر بدون محبت و عفو ممکن نیست. در پژوهش محمدزاده بنی طرفی (۱۴۰۲)، عفو، شفقت و رعایت تفاوت های فردی به عنوان ارکان عدالت تربیتی قرآنی معرفی شده اند. در حوزه عدالت اجتماعی معاصر نیز اهمیت روابط مبتنی بر محبت و احترام تأیید شده است؛ از جمله هانم و می^۴ (۲۰۲۲) که نشان می دهند آموزش دینی عدالت محور، نیازمند توجه عمیق به تجربه زیسته کودک، روابط انسانی و پیوندهای عاطفی است. رنتزی (۲۰۲۴) نیز تأکید می کند که عدالت مدرسه ای تنها زمانی ممکن است که معلمان فرهنگ پذیرش، احترام به تفاوت ها و روابط گرم انسانی را تقویت کنند. این هم سویی گسترده نشان می دهد که مولفه محبت و عفو در تحقق عدالت تربیتی نقش مهمی را ایفا می کند.

مزینانی و همکاران (۱۳۹۹) نیز نشان می دهند که عدالت در الگوی علوی، زمانی تحقق می یابد که گفتار، مبتنی بر حق، اعتدال، انصاف و دوری از خشونت باشد. در پژوهش های اخلاقی مانند محسنی (۱۴۰۲)، زبان به عنوان نماد صداقت، وفای به عهد و پاکی درون معرفی شده و هرگونه خشونت کلامی، مقدمه ظلم دانسته شده است. ادبیات جهانی عدالت نیز همین مضمون را تأیید کرده است. والیس و روچا (۲۰۲۰) نشان می دهند که بی عدالتی معرفتی اغلب از طریق گفتارهای حذف کننده، تمسخرآمیز یا بی اعتنا صورت می گیرد و عدالت آموزشی مستلزم گفتار حمایتی، شنیدن فعال و ارتباط اخلاق محور است. اومودان (۲۰۲۳) نیز بیان می کند که زبان مسلط تبعیض زا یکی از عوامل اصلی بازتولید نابرابری آموزشی است، و مدیریت

^۴ Hannam P, May C

گفتار، نخستین گام در اصلاح عدالت مدرسه‌ای است. این تطبیق نشان می‌دهد که مولفه کنترل زبان، یکی از عناصر کلیدی در تحقق عدالت تربیتی است و یافته‌های پژوهش حاضر، انسجام بالایی با ادبیات موجود دارد.

همچنین عدالت تربیتی نیازمند مدیریت هیجانات، کنترل خشم، و ترویج صبر و حلم در تعاملات تربیتی است. این یافته در متون اسلامی به روشنی انعکاس یافته است. محمدزاده بنی‌طرفی (۱۴۰۲) در تحلیل عدالت تربیتی قرآنی بیان می‌کند که انسان مؤمن باید از غضب بی‌جا پرهیز کرده و رفتار خویش را بر پایه آرامش، حلم و کنترل هیجانات استوار سازد، زیرا خشونت زمینه‌ساز ظلم و بی‌عدالتی است. در پژوهش شمس‌مفرحه و همکاران (۱۳۹۷)، عدالت از منظر شهید مطهری مستلزم اعتدال قوا و حفظ توازن هیجانی معرفی شده است. همچنین در پژوهش محسنی (۱۴۰۲)، فقدان حلم و بالا گرفتن خشم، ریشه بسیاری از رفتارهای ظالمانه معرفی شده است. پژوهش‌های جهانی نیز همین مولفه را تأیید کرده‌اند. پاین و ولج^۵ (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که عدالت ترمیمی در مدارس تنها زمانی موفق است که معلمان و دانش‌آموزان توانایی مدیریت هیجانات، پرهیز از واکنش‌های تنبیهی، و حرکت به سمت تعاملات آرام و گفت‌وگویی را داشته باشند. رنتزی (۲۰۲۴) نیز تأکید می‌کند که مهارت‌های تنظیم هیجان، از جمله کنترل خشم، ستون عدالت اجتماعی در محیط‌های چندفرهنگی‌اند. این همگرایی نشان می‌دهد که حلم و مهار خشم، نه فقط فضیلت اخلاقی، بلکه ابزاری تربیتی برای تحقق عدالت‌اند. ودر کل نظام تربیتی نیازمند داورهای منصفانه، تصمیم‌گیری‌های غیرتبعیض‌آمیز، و سازوکارهای ارزیابی عادلانه است.

منابع

- ۱- ابراهیمی طیبه و زهره مرادی، ۱۳۹۷، تاثیر عدالت اجتماعی بر نظام تربیتی، پویش در آموزش انسانی، ۴(۱۱)، ۵۵-۳۷.
- ۲- جعفریانی، سمیرا، شالیان، رحیم و غیور، سید مرتضی (۱۳۹۸)، عدالت تربیتی و موانع تحقق آن از منظر مجریان برنامه درسی (مورد مطالعه معلمان نمونه دوره ابتدایی منطقه تبادکان)، رساله کارشناسی ارشد، موسسه عالی آموزشی سناباد گلپهار
- ۳- جودی یونس، جوانپور هروی عزیز و توکل کوهی گیگلو، ۱۴۰۲، رویکرد تحلیلی از عدالت تربیتی اسلامی بر مبنای معرفت‌شناسی عدالت در فلسفه فارابی، فصلنامه قرآن و طب، ۸(۱)، ۲۰۶-۱۸۹.
- ۴- حسینی‌زاده، سید علی؛ ۱۴۰۰، روش‌های تربیتی در قرآن کریم؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۵- کریمی، ابوبکر، و احمدکرم‌ماچ، ولی. (۱۴۰۰). واکاوی میزان دستیابی مدارس استان کردستان به عدالت آموزشی و تربیتی با تأکید بر سند تحول بنیادین. مدیریت مدرسه. ۹(۲). ۲۶-۵۰.
- ۶- شاهسواری، زهرا، ۱۴۰۱، بررسی و تبیین عدالت تربیتی و نصیب آموزشی برابر از دیدگاه امام علی (ع)، اولین فراخوان مقالات کاربردی آموزش و پرورش: مسائل و راهکارها، تهران.
- ۷- شمس‌مفرحه کاظم، ایروانی شهین، شرفی جم محمدرضا و بهبود یاری قلی، ۱۳۹۷، تحلیل مفهوم، مبانی، اهداف و اصول عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره جدید، ۲۶(۴۱)، ۲۸-۵.
- ۸- شریف فتن، سلیمی لادن و مریم تقوایی، ۱۴۰۴، تبیین مبانی معرفت‌شناختی عدالت تربیتی بر اساس نهج البلاغه به منظور ارائه الگو در نظام تعلیم و تربیت عمومی، رساله دکترای دانشگاه آزاد واحد ساری زمستان ۱۴۰۴

^۵ Wallis Peter D. & Tomas Rocha

- ۹- شریفی محمدعارف، ۱۴۰۴، شیوه‌های تربیت فرزند از دیدگاه امام علی (ع)، معارف اسلامی و علوم تربیتی، ۱۱(۲۲)، ۶۱-۸۰.
- ۱۰- علوی زاده شیرازی، صبا، ۱۴۰۰ (تربیت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع))، فصلنامه رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی، پاییز ۱۴۰۰ - شماره ۸،
- ۱۱- موسوی یرف، زینب و دیگران (۱۴۰۴)، چالشهای شکاف آموزشی و راهکارهای تحقق عدالت تربیتی در نظام آموزش رسمی، دومین همایش بین المللی، (چالش ها و فرصت ها و رویکرد های روانشناسی و علوم تربیتی در عصر هوش مصنوعی) چاپ مهر ماه
- ۱۲- محمدی پویا فرامرزی، ۱۴۰۱، ارائه الگوی تربیتی با رویکرد جهاد تبیین از دیدگاه نهج البلاغه، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ۱۰(۴۰)، ۲۴-۴.
- ۱۳- محمدزاده بنی طرفی مهدی، ۱۴۰۲، مؤلفه‌های عدالت تربیتی از دیدگاه قرآن کریم، دو فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و احادیث، ۹(۱)، ۲۵۴-۲۴۱.
- ۱۴- رضاداد عطیه، مجیدی فاطمه و معصومه کیانی، ۱۴۰۳، تحلیل شاخصه‌های تحقق عدالت آموزشی و تربیتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۵(۳)، ۸۸-۶۵.
- ۱۵- همتی حیدر، ۱۴۰۳، بررسی عدالت تربیتی در اسناد بالادستی آموزش و پرورش، پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۵(۲)، ۶۲-۴۱.
- ۱۶- یارقلی، بهبود، ۱۳۹۲ (تبیین فلسفه عدالت تربیتی بر مبنای واکاوی نظریه عدالت و اشاره های آن برای نظام آموزشی ایران) رساله دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی
- ۱۷- یزدانی شهرام، افشار لیلا و مرضیه دشتی رحمت‌آبادی، ۱۴۰۳، تجلی عدالت آموزشی در آیین‌های آموزه‌های اخلاق اسلامی و ارائه‌ی مدل مفهومی عدالت آموزشی، دایره‌المعارف اخلاق پزشکی اسلامی، ۱، ۱-۱۵.
- ۱۸- Balarin, M., & Milligan, P. L. O. (۲۰۲۴). Education as justice: articulating the epistemic core of education to enable just futures. *Global Social Challenges Journal*, ۳, ۱۲۵-۱۴۱
- ۱۹- Despina Karakatsani & Vassiliki Pliogou (Democratic Education and Intercultural Education) Chapter First Online: ۰۲ January ۲۰۲۶, In book: Teaching Citizenship in the ۲۱st Century (pp.۱-۲۲),
- ۲۰- Wallis Peter D. & Tomas Rocha; Designing for resistance: epistemic justice, learning design, and open educational practices. *Journal for Multicultural Education* ۲ November ۲۰۲۲; ۱۶ (۵): ۵۵۴-۵۶۴
- ۲۱- Hannam P, May C. Religious education and social justice: reflections on an approach teaching religious education. *j. relig. educ.* ۲۰۲۲; ۷۰(۳): ۲۴۹-۶۰. doi: ۱۰.۱۰۰۷/s۴۰۸۳۹-۰۲۲-۰۰۱۸۸-۴. Epub ۲۰۲۲ Nov ۲۳. PMID: PMC۹۶۸۴۹۰۱